







قرآن قرار دهند و مانند حافظ در شعر آنان آرایه‌های چندگانه‌ی پدیدار شده است. سایر هنرمندان به همین دین تحت تأثیر ادبیات قرآن بوده‌اند، چنان که نگارگری، تذهیب، خوشنویسی، معماری، یافته‌های سنتی و قلم زنی، رابطه‌ی ننکانگی با ادبیات دارند. ادبیات ما دینی است و همه‌ی این هنرها از طریق این هنر کلیدی از جهت مضمون با دین مرتبط می‌شود. بر همین اساس تجلی آیات قرآنی در همه‌ی هنرها همانند کتیبه‌های مساجد و اماکن و هنرهای سنتی حتی در مفروضات از جنبه‌ی هنر دینی مشاهده می‌شود.

برخی هنرهای اسلامی به نحو مستقیم و به لحاظ فرم و مضمون در قرآن پدیدار گشته و به تعبیری، اختراع و ظهور این هنرها پس از نزول قرآن بوده است. مانند هنر خوشنویسی، کتاب‌آرایی و آرایه‌ها و تزیینات قرآنی که از این مغفول‌اند. آنچه هنرمند به عنوان ظرافت هنری تعریف و نسبت و معنایی که بین این ظرافت به لحاظ هنر دینی استنباط می‌کند، بسیار گسترده است. شمس به عنوان یک عنصر ثابت هنرهای اسلامی ذکر می‌شود و ظهور این عنصر به آیه‌ی «اللَّهُ نور السموات والأرض» بازمی‌گردد. هنگامی که این آیه تجسم پیدا می‌کند، این تجسم به صورت شمس است که در قالب‌های مختلف عرضه می‌شود و در تمام حوزه‌های هنری وارد می‌گردد. این هنرها و پیدایش آن‌ها و همچنین سیر تطور و تحول و تکامل و جنبه‌ها و گونه‌های مختلف آن تماماً مدیون قرآن است. در این میان از افرادی مثل «ابن مقفئه» و «ابن بواب» می‌توان نام برد که البته از «ابن مقفئه» چیزی در دست نیست، اما از بزرگترین شاکردش «ابن بواب»، خوشبختانه یک اثر کامل قرآنی باقی مانده است. البته مناسبانه چاپ این اثر را فرانسوی‌ها و ایتالیایی‌ها انجام داده‌اند. امیدواریم که در کشور ما نیز این اثر چاپ شود. از یاقوت مستعصمی نیز باید نام برد که چند سال پیش اجلاس یاقوت را برگزار کردیم و درباره‌ی شخصیت یاقوت، مقالات ارزشمندی عرضه شد.

انها و باقی کاتبان قرآن در ظل عنایت و خدمت به قرآن نواستنداند انواع خطوط اسلامی را بنا کنند. تذهیب‌گران نیز به دلیل اهمیت قرآن همواره با احتیاط و طهارت خاصی نفوش مجرد و منطبق با آیات الهی را در تاریخ هنر اسلامی خلق کرده‌اند. به بسیاری از آثار هنر قرآنی در حوزه‌ی نقاشی در قرون اخیر کمتر توجه شده است، اما هیچ نگارگر بزرگی نیست که مثلاً معراج حضرت نبی اکرم (ص) را کار نکرده باشد. یعنی نگارگری هم برخاسته از نگاه ایمانی و قرآنی بوده است. این است که به برکت رشد هنر در قرآن، شاهد رشد هنر در سایر زمینه‌ها هم بوده‌ایم، به ویژه که هنر اسلامی، هنر همه‌ی زندگی است. این نیز ناشی از آن است که دین اسلام وارد تمام حوزه‌های حیات بشری می‌شود.

دورنمای بهره‌گیری هنری از قرآن برای اکنون و آینده نیز اهمیتی فوق‌العاده دارد. امروز در هنر حوزه‌های جدیدی تعریف شده و تنها پرداختن به تذهیب و تشعیر و تجلید و خوشنویسی، کفایت نمی‌کند. دنیای امروز و هنر مدرن، تحت تأثیر نگاه غربی است. نوع مواجهه‌ی قرآن با این نگاه چگونه است؟ نوع مواجهه‌ی مسلمانان با این نگاه چگونه است؟ نسبت بین قرآن و اسان امروز چگونه است؟ ما چگونه می‌توانیم از هنر قرآنی در عرصه‌های جدید و با کمک رسانه‌های نوین بهره ببریم. مسئله‌ی آخر، مسئله بازگشت به قرآن در جهان اسلام است. من کم و بیش شاهد این بازگشت در عرصه‌های هنری نیز هستم.

بسیاری از کشورها به آثار کهن و میراث فرهنگی خود رغبت پیدا کرده‌اند و به تجذبات هنرهای جدید علاقه‌مند شده‌اند. آن نقطه‌ی مشترک بین بازگشت به قرآن و بازگشت به هنر و نگاه هنری و استفاده از هنرهای جدید کجاست و ما چگونه می‌توانیم نگاه قرآنی را در این عرصه‌ها بسط بدهیم.

آن شاء الله بنویسیم از حوزه‌های مطالعات قرآنی نگاه مجددی به هنر قدیم و هنر جدید بیندازیم و از تدیسه‌های ولای قرآنی در زندگی خود و مردمان بهره بگیریم.